

**Predigt zum Sonntag „Rogate“, 25.5.2025,
Erlöserkirchengemeinde Düsseldorf (SELK),
Pfr. Gerhard Triebe**

Johannes 16,23b-24:

در آن موقع دیگر از من چیزی نخواهید خواست، چون واقعاً میتوانید مستقیم نزد پدر بروید، و به نام من، هر چه میخواهید از او دریافت کنید.

تا به حال به نام من چیزی نخواسته اید. بخواهید تا بیابید و شاد شوید و شادیتان کامل گردد 24

جماعت عزیز، این یک بخش طبیعی از تربیت مسیحی فرزندانمان است که به آنها یاد دهیم که دعا کنند. بنابراین نه تنها عصر قبل از خواب، بلکه قبل از هر غذا نیز با آنها نماز خواندیم. گاهی با هم کائن رومیزی می خواندیم. وقتی با خانواده در یک رستوران در تعطیلات بودیم و پسر هفت ساله مان پس از لطف محتاطانه با صدای بلند فریاد زد: "و حالا برای کانون!"، کمی خجالت کشیدیم.

سی سال پیش، به نظر می رسید که نماز خواندن در ملاء عام برای کسانی باشد که مثلاً از نظر مذهبی کمی غیر عادی بودند. امروزه ما اغلب این اتفاق را با فوتبالیست های حرفه ای در استادیوم قبل از بازی می بینیم به تازگی آهنگی جهانی به نام «ما دعا می کنیم» منتشر کرده است. کریس مارتین Coldplay و گروه خواننده در آن بر اهمیت دعا به عنوان ابراز امیدواری و سپاسگزاری تاکید می کند. با دعایی برای استقامت و توانایی حمایت از خود و دیگران آغاز می شود. مارتین دردی را که مردم احساس می کنند منعکس می کند و کلمات تشویق کننده را ارائه می کند و تاکید می کند که در نهایت فرد به نور انتهای تونل خواهد رسید. این آهنگ منعکس کننده اشتیاق جهانی برای صلح و شادی است. او به یک قدرت برتر اعتقاد دارد و مردم را تشویق می کند که به خود ایمان داشته باشند و در کنار یکدیگر باشند.

عیسی همچنین در اینجا از «قدرت برتر» صحبت می کند که می توانیم به آن اعتماد کنیم. او همچنین می خواهد ما را تشویق کند که وقتی به محدودیت های خود رسیدیم و به ناامیدی نزدیک شدیم به آنها روی آوریم. اما این «قدرت برتر» در او دست و پا و چهره ای دوستانه داده شده است. عیسی به ما می آموزد که آنها را «پدر» خطاب کنیم. و اگر این هنوز به نظر ما خیلی جسورانه به نظر می رسد، زیرا شاید می ترسیم که این پدر نسبت به ما بسیار خواهان و سختگیر باشد، خودش می خواهد ما را شفاعت کند. بنابراین می توانیم به نام او به خدا متوسل شویم و از او انتظار داشته باشیم که مداخله کند و اوضاع را به سمت بهتر شدن سوق دهد، حتی در جایی که نمی توانیم کاری انجام دهیم یا هیچ کاری بیشتر انجام نمی دهیم. عیسی می خواهد ما را تشویق کند که اینگونه دعا کنیم: "اگر از پدر چیزی به نام من بخواهید، آن را به شما خواهد داد... بخواهید و دریافت خواهید کرد تا شادی شما کامل شود".

این یک وعده فوق العاده سخاوتمندانه است. به نظر می رسد که تحقق آرزوهای ما تضمین شده است. با این حال، به نظر می رسد این وعده با یک هشدار کوچک همراه است. پاسخ دعا به این بستگی دارد که به نام عیسی گفته شود. این به چه معناست؟

پایان دعای ما با این جمله: «به واسطه خداوند ما عیسی مسیح» یک عبارت مذهبی نیست. با این کلمات بیان می کنیم که در دعا های خود به عیسی متوسل می شویم. چون بدون آن ما اصلاً ارتباطی نخواهیم داشت. ما خدایی را می شناختیم، اما او را نمی شناختیم. سپس با درخواست های خود نزد او می آمدیم بدون اینکه بدانیم آیا پذیرفته و شنیده خواهیم شد یا خیر. به چه کسی باید تکیه کنیم - و چه چیزی؟ با توجه به رفتاری که تا به حال با او داشته ایم، اگر او به ما شانه سردی بدهد، خیلی قابل درک است. اما در اینجا او به ما قدرت می دهد که به نام او دعا کنیم. در عمل به چه معناست؟

اگر تمام مکان‌هایی را در کتاب مقدس که عبارت «به نام من»، «به نام او» یا سایر عبارات مشابه وجود دارد را بررسی کنید، متوجه خواهید شد که این عبارت با زبان روزمره ما نیز مطابقت دارد. مثلاً اگر من به بانکی مراجعه کنم و چکی را که امضای من است ارائه کنم، از طرف خودم از آن بانک درخواست می‌کنم. اگر مبلغ مربوطه را در این بانک داشته باشم، چک نقد می‌شود. اگر نه، من پولی نمی‌گیرم. اما اگر با چکی به امضای شخص دیگری به بانک مراجعه کنم، از طرف او می‌پرسم. این که آیا من خودم پولی در این بانک دارم یا نه، مهم نیست. در صورتی که شخصی که چک را امضا کرده است، در آنجا حساب مالی داشته باشد، پول را دریافت می‌کنم.

وقتی به بانک بهشتی می‌روم، یعنی وقتی به درگاه خدا روی می‌آورم، همین طور است. من در آنجا چیزی ندارم که در دسترس من باشد. من مطلقاً اعتباری ندارم. و اگر به نام خودم به آنجا بروم، مطمئناً چیزی به دست نمی‌آورم. اما عیسی در بهشت اعتبار نامحدودی دارد و به من این امتیاز بزرگ را می‌دهد که با نام او در چک‌هایم، به اصطلاح، به این بانک بروم. او برای من تضمین می‌کند. بنابراین درخواست‌های من به طور نامحدود پذیرفته شده و پاسخ داده می‌شود.

و اگر نه؟ - آن وقت متوجه می‌شویم که کتاب مقدس چیزی متفاوت از کتاب افسانه است و پدر ما در بهشت چیزی متفاوت از مادر خوانده پری است که سه آرزو را برآورده می‌کند. ما می‌توانیم با همه نگرانی‌ها و شکایات به خدا بیاییم. هیچ یک از دغدغه‌های روزمره ما برای او بیگانه نیست. با این حال، کسانی که به نام عیسی دعا می‌کنند، نمی‌خواهند نگرانی‌های شخصی و خصوصی خود را به خدا تحمیل کنند. هر کس به نام عیسی به خدا روی آورد، با آنچه در قلب عیسی عزیز است و خواسته‌های او از پدرش موافق است.

اما آیا این محدودیت بزرگی برای درخواست ما نیست؟ آیا وقتی متعهد می‌شویم به نام عیسی دعا کنیم، دامنه عمل ما به شدت محدود نیست؟ من نمی‌توانم آن را تصور کنم. همانطور که عیسی به ما آموخت، ما نیز باید نان روزانه و هر آنچه را که برای زندگی نیاز داریم از خدا بخواهیم. اما همانطور که سه دعای اول دعای خداوند روشن است، ما باید بر او متمرکز شویم. همانطور که عیسی در اینجا وعده داده است شادی کامل "چیزی نیست که با برآورده شدن همه آرزوهایمان به دست آوریم. خوشبختی مسئله ثروت و "حتی سلامتی نیست. خوشبختی قبل از هر چیز مربوط به روابط است - رابطه با خودم، با دیگران و با خدا. بنابراین، پولس - که از بهبودی رنجش محروم شد - می‌تواند در نامه شادی خود اعتراف کند: "من می‌توانم پست باشم و می‌توانم بالا باشم؛ من با همه چیز و همه چیز آشنا هستم: هم سیر بودن و هم گرسنگی، هم به "فراوانی و هم نیاز به رنج. من می‌توانم همه چیز را بوسیله مسیح که مرا تقویت می‌کند انجام دهم

این «شادی کامل» است که عیسی وعده داده است. این بر اساس یک رابطه سالم با پدر در بهشت است. این رابطه با رابطه با دستگاه هدیه متفاوت است، جایی که شما درخواست را در بالا قرار می‌دهید و پاسخ را در پایین بیرون می‌آورید. بلکه در مشارکت خود و در صحبت کردن و گوش دادن متقابل - مانند دوستان نزدیک - نشان داده می‌شود.

اما معمولاً دعای ما فقط حرف زدن است و نه بیشتر. ما در برخورد با خدا کاری را انجام می‌دهیم که در برخورد با مردم غیر ممکن می‌دانیم: با او صحبت می‌کنیم و اصلاً نمی‌گذاریم حرف بزند. ما مانند رادیویی هستیم که همیشه برای "ارسال" تنظیم شده است و هرگز "دریافت" نمی‌کند. در زندگی معنوی ما لطفاً بیایید "معمولاً وجود ندارد، که با آن اپراتور رادیو به شریک مکالمه خود اطلاع می‌دهد که" بلافاصله به دریافت تغییر خواهد کرد.

به همین دلیل مهم است که ما دعا کنیم گوش فرا دهیم. با این حال، ما باید برای این واقعیت آماده باشیم که به سختی آنچه را که دوست داریم بشنویم. حتی یک دوست خوب مدام ما را چاپلوسی نمی‌کند، بلکه چیزهای ناخوشایندی را نیز به ما می‌گوید تا در صورت امکان از ما در برابر تجربیات منفی محافظت کند. چقدر بیشتر باید از خدا انتظار داشته باشیم که حقیقت زندگی ما را آشکار کند. مطمئناً، همیشه خوب نیست، اما شفاف‌بخش است.

اما این نیاز به زمان و آرامش دارد. وقتی قطار پنج دقیقه دیگر حرکت می‌کند یا وقتی تلویزیون در پس‌زمینه روشن است، کدام دوست می‌خواهد با ما گفتگوی مهمی داشته باشد؟ احتمالاً برخی از ما از مراجعه به بیمارستان با این وضعیت آشنا هستیم. چه چیزی می‌تواند مورد بحث قرار گیرد؟ بنابراین، هیچ زندگی دعایی بدون مبارزه با سر و صدا نمی‌تواند شکوفا شود. هرکسی که دائماً نیاز به داشتن موسیقی پس زمینه محرک در اطراف خود داشته باشد، هیچ پیشرفتی در زندگی معنوی خود تجربه نخواهد کرد. به همین دلیل مهم است که فراموش نکنیم، یا یاد بگیریم که این کار را دوباره انجام دهیم، تلفن همراهمان را کنار بگذاریم و هر از چند گاهی رادیو یا تلویزیون را خاموش کنیم.

اما متأسفانه منبع دیگری از سر و صدا وجود دارد که خاموش کردن آن بسیار دشوارتر است: زمزمه افکار در سر ما. دقیقاً زمانی که سعی می‌کنیم با سکوت درگیر شویم، صدای بلند بودن آن را در خودمان تجربه خواهیم کرد. کلماتی که هیچ کس در اتاق نمی‌شنود، اما هنوز وجود دارد، افکاری که - همانطور که بودا می‌گوید - مانند میمون‌ها از میان درختان می‌پرند. شخصی می‌خواست حداقل یک دعای کوتاه پدر ما با تمرکز کامل بخواند، و تصمیم گرفت که بی وقفه دعایش را از اول شروع کند، به محض اینکه متوجه شد که حتی یک فکر سرگردان دارد. می‌گویند آن مرد امروز هم نماز می‌خواند.

افکار کلماتی هستند که ما آرام صحبت می‌کنیم. اما ما صحبت می‌کنیم و صحبت کردن به معنای کاهش شدید توانایی شنوایی است. من نمی‌توانم "همه گوش" باشم، به قول زبان ما، اگر مدام در درونم صحبت کنم. افکار من، حتی اگر تقوا باشند، مانعی حساس باقی می‌مانند، حتی اگر توانسته باشم دیگر منابع سروصدا را از بین ببرم.

چه باید کرد؟ من می‌خواهم به شما پنج نکته کوچک و کاربردی بدهم.

وقتی از سر و صدای ذهنی خود آگاه شدید، ناراحت نشوید. این چیزی را بهبود نمی‌بخشد، کاملاً 1. برعکس. از آنجا که خشم در مورد ناآرامی افزایش ناآرامی است، ناآرامی برای قدرت دوم است.

سعی نکنید افکار مزاحم را از خود دور کنید یا سرکوب کنید. آنها بر می‌گردند. مهمتر از همه، فکر 2. نکنید که چنین خشونت‌ربطی به تمرکز دارد. تمرکز واقعی یک تلاش فعال از سوی من نیست، بلکه تجربه جذب کامل چیزی است.

سعی کنید افکار خود را با مهربانی و شوخ طبعی تماشا کنید - درست مانند تماشای ابرها که در آسمان 3. حرکت می‌کنند. مهمتر از همه، فکر نکنید که افکاری که شما به عنوان یک فرد مذهبی فکر می‌کنید باید فکر کنید مهمتر از افکاری هستند که در حال حاضر به سراغ شما می‌آیند. آنچه اکنون به سراغ شما می‌آید همیشه مهمتر از چیزی است که فکر می‌کنید باید بیاید.

به سکوت گوش کن تا ببینی که آیا خدا می‌خواهد با تو و در زیر افکاری که می‌آیند و می‌روند با شما 4. صحبت کند یا خیر.

من می‌دانم که این نکته برای افراد با وجدان بسیار مشکوک به نظر می‌رسد، به خصوص اگر آموزش الهیاتی داشته باشند. شما فقط یک نگرانی خواهید داشت: اینکه فریب های بسیار خطرناکی رخ خواهد داد چه کسی به من می‌گوید کلمه ای که در سکوت برمی‌خیزد کلام خداست؟ البته ممکن است به شدت اشتباه کرده باشم و به شدت اشتباه کرده‌ام. اما آیا به این دلیل باید از گوش دادن به سکوت دست بکشم؟ آیا به دلایل امنیتی، آیا باید سؤال کلام خدا را که می‌خواهد به سراغ من بیاید به شنیدن کلام نویسندگان کتاب مقدس و بیانیه های کلیسا کاهش دهم؟ اما چه کسی می‌تواند به من تضمین دهد که واقعاً این خداست که با من صحبت می‌کند؟ همانطور که داستان وسوسه عیسی به وضوح نشان می‌دهد کلمات کتاب مقدس نیز می‌توانند از شیطان آمده باشند. نه، جماعت عزیز، ما فریب پذیر هستیم و می‌مانیم. اما دقیقاً به این دلیل که ما به راحتی فریب می‌خوریم، مهم است که این گوش دادن را بارها و بارها تمرین کنیم. ویژگی دعای کسی

که در ایمان رشد می کند و بالغ می شود این است که به طور فزاینده ای دارای ویژگی گوش دادن صبور و البته نه غیرانتقادی است. علاوه بر این، ما در برابر فریب های احتمالی بی دفاع نیستیم. آنچه را که فکر می کنید می شنوید در معرض بررسی انتقادی کتاب مقدس و کلام بررسی و تصحیح مسیحیان خود قرار دهید. اما تحت هیچ شرایطی نباید گوش دادن را متوقف کنید

همانطور که افکاری را که می آیند و می روند، مشاهده می کنید، همیشه به آنچه در ابتدا در مورد یک - سوال یا موضوع خاص به ذهن می رسد توجه ویژه ای داشته باشید. آن را به این سرعت دور نریزید. اغلب ارزش بسیار ویژه ای دارد

با این حال، مهمتر از همه، مایلم بر این نکته تأکید کنم: ما یاد می گیریم که با گوش دادن به دعا به نام عیسی دعا کنیم. وقتی حرف او را در گوش و سپس در قلبمان داشتیم، آنگاه جرقه می پرد (برای گفتن دوباره). سپس می دانیم که او نزدیک است، فرقی نمی کند که بالای سرمان باشیم یا روی زمین نابود شده باشیم. آن وقت رابطه درست می شود و ما آنچه را که نیاز داریم دریافت خواهیم کرد: عشقی بی حد و حصر که به ما اجازه می دهد نفس راحتی بکشیم، ما را خوشحال می کند، که به ما اجازه می دهد حتی وقتی می میریم زندگی کنیم. در همین عشق است که ما شادی کامل را دریافت می کنیم. آمین